

[اصالة الصحة 1](#_Toc534007713)

[جهت اول: مراد از اصاله الصحه چیست و محل نزاع کدام است؟ 1](#_Toc534007714)

[1. صحت در اموال 1](#_Toc534007715)

[2. صحت در معامله 2](#_Toc534007716)

[3. صحت در مقابل قبح 2](#_Toc534007717)

[4. صحت در عمل دارای اثر 3](#_Toc534007718)

[جهت دوم: فرق اصاله الصحه با قاعده فراغ 3](#_Toc534007719)

[خلاصه جلسه 4](#_Toc534007720)

**موضوع**: اصاله الصحه، جهت اول و دوم /تعارض استصحاب با اصالة الصحّة /تنبیهات استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

از بحث قاعده فراغ و تجاوز فارغ شدیم. وارد بحث از اصاله الصحه و تعارض استصحاب با آن می شویم.

# اصالة الصحة

یکی از موارد تعارض بین استصحاب و قواعد دیگر، تعارض با «اصالة الصحة» است.

استطرادا در این بخش از علم اصول درباره جهات مختلف این اصل بحث می شود:

## جهت اول: مراد از اصاله الصحه چیست و محل نزاع کدام است؟

بعضی از بزرگان در *القواعد الفقهیه[[1]](#footnote-1)* (همچنین سایر علماء) فرموده‌اند که اصالة الصحة استعمالات و معانی مختلفی دارد:

### صحت در اموال

یکی از مواردی که اصاله الصحه بکار می رود مربوط به اموال است که به معنای بناء گذاردن بر سلامت و غیر معیب بودن کالا است. این مربوط به بحث معاملات است؛ زیرا صحت کالا باید معلوم باشد تا ارزش آن نیز مشخص گردد، و الا معامله باطل است، درمواردی که سلامت عوضين محل ترديدباشد این اصاله الصحه، اصل یا اماره ای عقلائی بر صحت عوضین در معامله است.

مسئله ای که در این مورد مطرح است این است که آیا عقلاء چنین اصلی دارند یا این که باید به گونه ای دیگر حکم به صحت چنین معامله ای(که صحت عوضینش مجهولست) کنیم، به این گونه که در این معاملات شرط ارتکازی سلامت عوضین وجود دارد و لذا معامله غرری نیست.

در مجموع این بحث مربوط به مبحث معاملات است و ارتباطی با بحث ما ندارد.

### صحت در معامله

معنای دوم اصالة الصحة ، صحت در معاملات است. با این که مقتضای اصل عملی درمواردشک درشرطيت امری درصحت معامله (استصحاب عدم انتقال)، فساد معامله است اما آیا در مقابل این اصل عملی، دلیل اجتهادی دال بر صحت معامله در موارد شک، وجود دارد؟ به ادله اجتهادیه‌ای مثل عموم «اوفوا بالعقود» و اطلاق «احل الله البیع» در این جهت تمسک شده است یا ازراه اطلاق لفظی يا ازراه اطلاق مقامی (به این تقريب که هرچند الفاظ برای معنای صحيح وضع شده باشند اما اگرشاره درخطابش عنوانی را ذکرکرده وآنرا مقيد به خصوصيتی نکرده باشد اطلاق مقامی خطاب اقتضاء می کند که مرادشارع از آن عنوان صحيح به نظرعرف می باشد ).

این معنا نیز مربوط به بحث ما نیست.

### صحت در مقابل قبح

معنای سوم (که از شیخ[[2]](#footnote-2) و قبل و بعد ایشان نقل شده است):

اگر شک داشته باشیم که فعلی که از فلانی صادر شده به وجه قبیح(بر خلاف وظیفه) واقع شده است یا صحیح و حسن بوده و معصیتی اتفاق نیفتاده است؛ گفته شده است که فعل او را حمل بر وجه صحیح می کنیم. اگر مثلا کسی در مواجهه با ما حرفی زد که ممکن است فحش یا سلام بوده باشد، حمل بر وجه غیر قبیح می شود.

اگرچه این هم محل بحث نیست، لکن به مناسبت در این جا فی الجمله در مورد این معنا بحث شده است. صاحب عناوین فرموده است که چنین قاعده ای وجود دارد و فقها به آن قائل شده اند[[3]](#footnote-3). از طرف دیگر مرحوم نراقی[[4]](#footnote-4) فرموده است که چنین قاعده ای وجود ندارد.

**نکته**: بعضی از علماء بحث از مدرک اصاله الصحه به معنای سوم را در این جا مطرح کرده اند و بعضی در موضع بیان مدرک اصاله الصحه. ما این بحث را در همان موضع بیان مدرک اصاله الصحه مطرح خواهیم کرد.

### صحت در عمل دارای اثر، به معنای ترتيب اثربرعملی که احتمال صحت آن داده می شود

-که مقصود ازاصالة الصحة درمقام همين معنا است- اگر فعلی که صادر از غیر است، از اموری باشد که دارای اثر شرعی است و شک داشته باشیم که آیا واجد اجزاء و شرایط است تا اثر متوقع بار شود یا خیر، آیا می توان این فعل را حمل بر صحت کرد؟ آیا در این جا قاعده ای وجود دارد که به مقتضای آن، فعل صادر از شخص حمل بر تمامیت اجزاء و شرایط شود؟ این مسئله هم در عبادات مطرح است و هم در معاملات، هر جایی که عملی موضوع اثر شرعی باشد.

## جهت دوم: فرق اصاله الصحه با قاعده فراغ

در جهات قاعده فراغ و تجاوز به مناسبت بیان شده بود که اگرچه بین قاعده فراغ و اصاله الصحه مشابهت وجود دارد، لکن متمایز از هم هستند؛ به عبارت دیگر مورد تعبد در هر دو قاعده، صحت عمل است یعنی عمل، واجد اجزاء و شرایط است و طبعا اثر عمل صحیح بر آن مترتب می شود، لکن فرق بین این دو قاعده:

1. ادله قاعده فراغ ناظر به افعال خود مکلف است، ولی مجرای اصاله الصحه فعل صادر از غیر است، البته در مواردی که صحت عمل او برای ما اثر داشته باشد.

توضیح این که: صحت عمل غیر گاهی اثر شرعی برای شخص دیگری دارد، مثلا نمازی که بر گردن پسر بزرگتر است و او برای این کار اجیر گرفته است، صحت عمل اجیر موجب سقوط تکلیف پسر بزرگتر می شود. یا مثلا عملی که واجب کفائی است اگر دیگری آن را صحیح انجام دهد اثرش این است که تکلیف از بقیه ساقط می‌شود. در چنین مواردی اصالة الصحه جاری می شود.

1. در هر دو قاعده شرط است که اصل فعل محقق باشد، لکن در اصاله الصحه لازم نیست که تحققش گذشته باشد بلکه همین که علم به تحققش داشته باشیم کافی است؛ مثلا همین که پسر بزرگتر می داند اجیر، نماز پدر را می‌خواند اصاله الصحه جاری می‌شود. یا مثلا مأموم می تواند نسبت به صحت نمازی که امام جماعت می خواهد بخواند اصاله الصحه جاری کند.[[5]](#footnote-5)
2. ملاک این دو قاعده فرق دارد.(بعضی از اعلام در قاعده فراغ و تجاوز)[[6]](#footnote-6)

ازجهت اينکه ملاك در قاعده فراغ أذكريت مكلف حين العمل وتسهيل براو بلحاظ حيثيت فراغ ازعمل است درحالی که ملاک دراصالة الصحة تسهيل امربرغيرانجام دهنده عمل است ازاين نظر که موظف به احرازصحت عمل صادر ازغير خودش نباشد.

**مناقشه در 3**

ازراه تعدد ملاک نمی توان بين دو قاعده فرق گذاشت ،چون بيان فارق بايد بلحاظ جميع مبانی باشد،اينکه قاعده فراغ اختصاص به موارد احتمال اذکريت دارد محل خلاف بين اعلام است روی مبنای کسانی که قائل به تعميم هستند واذکريت راحمل برحکمت می کنند اين فارق تمام نيست.

# خلاصه جلسه

اصاله الصحه: جهت اول: چهار معنا در مورد اصاله الصحه مطرح است: 1- صحت کالا، 2- عدم فساد معامله، 3- عدم قبح، 4- صحت به معنای ترتیب آثار شرعی. معنای اخیر محل بحث ماست. جهت دوم: فرق اصاله الصحه با قاعده فراغ: 1- اصاله الصحه مربوط به فعل دیگری است نه فعل خود مکلف. 2- اصاله الصحه نسبت به فعل آینده قطعی الوقوع هم جاری است به خلاف قاعده فراغ. 3- ملاک دو قاعده متفاوت است. مناقشه در اخیر: تفاوت ملاک رانمی توان فارق بين دو قاعده دانست.[[7]](#footnote-7)

1. القواعد الفقهیه، علی حسینی سیستانی، ج1، ص: 183. «هناك معاني متعدده لاصالة الصحة...» [↑](#footnote-ref-1)
2. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج2، ص731.](http://lib.eshia.ir/13056/2/731/%D9%81%DB%8C%20%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%84%20%D9%88%20%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D8%AA) [↑](#footnote-ref-2)
3. به نقل از القواعد الفقهیه، علی حسینی سیستانی، ج1، ص: 188، «فقد یظهر من کتاب العناوین...» [↑](#footnote-ref-3)
4. به نقل از القواعد الفقهیه، علی حسینی سیستانی، ج1، ص: 188، « و فی قباله النراقی...» [↑](#footnote-ref-4)
5. بعضی از اعلام در مورد حمل نماز امام جماعت بر صحت، تفصیل داده اند بین جایی که مأموم احراز کرده باشد که امام جماعت قرائت نماز را به نحو صحیح یاد گرفته است و احتمال سهو امام در قرائت داده شود، و بین جایی که تعلم امام را اصلا احراز نکرده باشد. (استاد) [↑](#footnote-ref-5)
6. قاعدة الفراغ و التجاوز، محمود هاشمی شاهرودی، ج1، ص: 30، « بل هما قاعدتان متباينتان موضوعا و ملاكا و موردا...» [↑](#footnote-ref-6)
7. خلاصه از مقرر. [↑](#footnote-ref-7)